انترناسیونال 778

شهاب بهرامی

**از ونزوئلا تا ایران**

برخی رسانه های حکومتی در ایران میگویند نرخ تورم اقتصاد در ایران بسان ونزوئلا دارد از کنترل خارج میشود. حقیقتی در این بحثها وجود دارد. بعد از سالها بحران اقتصادی، هفته گذشته نرخ تورم در کشور ونزوئلا از کنترل خارج شد و به حتی مرز یک میلیون درصد نزدیک شد. نیکولاس مدورا رئیس جمهوری فعلی ونزوئلا بعد از ٥ سال دست و پنجه نرم کردن با این بحران، روز بیستم اوت اعلام کرد با کسر پنج صفر از جلو اعداد اسکناسها، واحد پولی این کشور تقویت شده و بزودی کشور از زیر بار بحران تورم بیرون خواهد رفت.

اینکه آیا آنها واقعاً خواهند توانست براین بحران فائق شوند یا نه، موضوع این نوشته نیست. بحث اما مقایسه آگاهانه ایست که این روزها در رسانه های حکومتی ایران دیده می شود. حکومتی ها از بیان این مسئله قاعدتا دو هدف عمده را دنبال می کنند: یکم اینکه سران حکومت ظاهرا خواهان چنین تورم افسار گسیخته ای نیستند، دوم اینکه به این اشاره دارند که حکومت ونزوئلا با اینکه تورم پنج رقمی را یدک میکشد ولی محکم سر جایش نشسته و حکومت می کند و به بیان دیگر، اگر آنها می توانند پس ما هم می توانیم! ما هم می توانیم با تورم چند رقمی سر کار مانده و به قول مصباح یزدی " به دریا ریخته نشویم". روشن است که نظام سیاسی ونزوئلا قابل مقایسه با حکومت مذهبی و اسلامی ایران نیست و در این کشور احزاب و تشکلها کاملا آزادند، از حجاب اجباری و اسید پاشی و دستگیریها و اعدام مخالفین خبری نیست، احزاب سیاسی آزادند، اتحادیه های کارگری آزادند، موزیک و رقص و شادی آزاد است، جوانی و جوان بودن آزاد است زندگی ممنوع نیست زن بودن جرم نیست، دست سران ریز ودرشت حکومت آغشته بخون صدها هزار انسان شریف نیست، انگل زاده و رانت خوار ومفتخور شکم گنده عمامه بسر ندارند، برادران قاچاقچی و تروریست ندارند و دولتش حال با هر تعریفی، دولتی سکولار است. شاید بر این اساس مشکل اقتصادشان را هم به کمک مردم بتوانند حل کنند. اما در ایران حکومت اسلامی نه فقط از نظر اقتصادی ورشکسته است از نظر سیاسی نیز در بحران عمیق و لاینحل بسر میبرد و مردم میخواهند سر به تن این حکومت نباشد. مشکل رژیم ایران بن بستی اساسا سیاسی است که همزاد خود رژیم است.

چهل سال از سرکوب جامعه ای که نصف جمعیتش انقلاب ٥٧ را به چشم دیده است گذشت. مبارزات هر روزه کارگران، زنان و مردم ستمدیده و زحمتکش بالاخره در قامت جنبش سرنگونی با خیزش انقلابی دی و مرداد که از تمامی منافذ جامعه قد کشیده و می جوشد چنان سران رژیم را به کنج رینگ پرتاب کرده که همگی به هذیان افتاده اند رسما دروغ می گویند، مهمل می بافند، همدیگر را لو میدهند، و تلاش میکنند خود را مبرا نشان دهند. آن دسته هم که آینده نگرترند سرمایه ها و خانواده هایشان را از ایران خارج کرده یا در شرف آنند. این آن وضعیت زاری است که رژیم ایران در آن دست و پا می زند. محال است که با وام های صدها میلیاردی نیز بشود این رژیم را از زیر دست وپای این جنبش بیرون کشید و نجات داد. مردم ایران مدتها است حکم به رفتن این خون آشامان داده اند. نیکولاس مدورا نگران فرار به جائی نیست کسی حکم به رفتنش نداده است اما نگرانی سران جنایتکار ریز و درشت رژیم قابل فهم و آشکار است. شاید در جوار پنگوئن ها و خرس های قطب جنوب، مأمنی موقتی بیابند.